گلهاى آرامش بخش

ويژگيهاى زن نمونه در فرهنگ اسلام

مؤ لف : مهدى رضائى

## مقدمه

زنده نگهداشتن سنت هاى پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله از وظايف پراهميت هر مسلمانان است . سنت هاى بيادگار مانده از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلههمانند شاخه و برگ ها و ميوه هايى است كه بر پيكر درخت اسلام عزيز روئيده است و نمايى از يك زندگى زيباى خداپسندانه است كه مورد تاءييد و امضاى خدا و رسول الله است . حيات جامعه انسانى و اسلامى در گرو احياء سنت هاى نبوى است ، جامعه اى كه از سنت هاى رسول الله فاصله هاى بگيرد به همان اندازه از حيات حقيقى و معنوى فاصله گرفته است .

ازدواج از سنت هاى پيامبر خداست . اهميت احياء اين سنت مقدس تا بدانجاست كه رسول خدا درباره اش فرموده : هر كسى از سنت ازدواج روى گرداند از من نيست . زنده نگهداشتن اين سنت آنگاه معنى و مفهوم پيدا مى كند كه به تمام آداب توجه شود اينجا است كه چنين ازدواجى بنياد و بناى الهى مى گردد و دل و خانه اى كه بر اين اساس پيوند ازدواج برقرار سازند كانون رحمت و مودت مى شوند و زن در چنين فضايى همچون گلى آرامبخش جلوه مى كند و زمينه براى رشد و تعالى زن و مرد و تقرب آنان به سوى پروردگار مهيا مى گردد.

در اين مجموعه مختصر با هم نگاهى داريم به برخى از ويژگيهاى بهترين زن از زبان پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهبه اميد روزى كه با تحقق رهنمودهاى پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهخانه هاى جامعه اسلامى بوستان پرطراوت و فرحبخش معنويت و حقيقت باشند. انشاءالله . والسلام على من اتبع الهدى

## به انگيزه نام كتاب

حتما تا به حال نام مسكن را شنيده ايد، مسكن ؛يعنى آرام بخش . طبيعى است كه هر ناآرامى با مسكن مخصوص به خود آرام مى يابد؛ و البته كه تمامى ناآرامى ها مربوط به جسم نيست ، بلكه چه بسيار از آنها كه ريشه در روان و نفس آدمى نيست ، بلكه چه بسيار از آنها كه ريشه در روان و نفس ‍ آدمى دارند. شايد بتوان ناآرامى همراه با درد دندان را با خوردن يك آرام بخش تسكين بخشيد، اما هيچگاه چاره اضطراب روان و بيقرارى روح ، خوردن ، كپسول و قرص نيست .

در نظام هستى ، زن و مرد هر يك به تنهايى ناقص و نيازمند به ديگرى است و بر اساس همين نياز هر كدام مشتاق ديگرى و متمايل به اوست . چرا كه هر ناقص مشتاق كمال و هر نيازمند، خواهان بى نياز و از بين رفتن نياز خود است بر اين اساس ، در نقطه اى كه زن و مرد به هم مى رسند و از اجتماع آن دو يك واحد بدون نقص تشكيل مى شود، آرامش ، و سكونت به دست مى آيد و اين حقيقتى است كه قرآن كريم بيانگر آن است :

(و من آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها) (1).

اين ميانه آرامش در قرآن كريم ، از آيات الهى معرفى شده است . خداوند متعال با حكمت و لطافت ، وجود زن را مايه آرامش مرد قرار داده است . در زبان مبارك حضرت اميرالمؤ منين - عليه‌السلام - نيز از زن به عنوان ريحانه - گل - ياد شده است (2).

آرى ، زن گلى است آرامش بخش ، و آن هنگامى است كه شرايط لازم براى يك گل آرامش بخش را، از ديدگاه فرهنگ اسلامى - قرآن و روايات - دارا و در پاسدارى از آنها، كوشا باشد.

در اين نوشتار، نگاهى به پاره اى از شرايط اين (گل ) از ديدگاه فرهنگ اسلامى مى افكنيم .

## حجاب رمز پايدارى

در نظام طبيعت بهره مندى از بوى زيباى گل و تماشاى حسن دلرباى آن نه تنها ناپسند، نيست كه نشانگر لطافت روح و زيبايى روان و حسن سليقه است اما هميشه چنين نيست كه آدمى مجاز به استفاده از هر گلى باشد و چه بسا بسيار گلهاى زيباى پربها و ناياب و خوشبويى كه ، جاى خود را از بوستانها و باغهاى عمومى و پشت شيشه گلفروشى ها به گلخانه هاى خصوصى منتقل كرده و يك گل كاملا اختصاصى شده اند، براى چنين گلهايى بهاى سنگينى ، پرداخت شده ، و طبيعى است كه حفاظت از آن ها نيز مسؤ وليت بيشترى مى طلبد.

در نظام خانواده ، زن همانند اين گل اختصاصى است . تمام وجود و آثار و ثمراتش از آن كسى است كه سرپرستى و تدبير آن را عهده دار گشته است اين پاسدارى از گل ، كه براى مصونيت آن است ، اگر چه همراه با برنامه ها و محدوديتهايى است ، ولى اين امر، به صلاح گل و صاحب گل است . نام اين مصونيت در فرهنگ اسلام ، (حجاب ) است حجاب ؛يعنى پوشش ؛ پوشش گل از تيرهاى مسموم شيطان (3).

حجاب ؛يعنى كانون عفت و پاكدامنى زن ، همواره چون سنگرى نفوذناپذير، در برابر بيگانه (نامحرم ) پايدار و استوار باشد. اميرالمؤ منين - عليه‌السلام - در وصيت به فرزندش حضرت امام مجتبى مى فرمايد:

(فان شدة الحجاب ابقى عليهن ) (4) (دقت در امر حجاب و مراقبت از آن مايه بقا و پايدارى بيشتر زنان است ).

آرامش جسم و جان زن در مرتبه نخست و همسر او در رتبه بعد، مرهون پاكدامنى و عفت ظاهر و باطن و پاسدارى از رمز پايدارى - حجاب - است .

## تا مرز بندگى دوست دو سويه

خداوند مهربان ، زن را مايه آرامش مرد قرار داده و مودت و رحمت را ميان آن دو به دو وديعت نهاده است اساس زندگى مشترك ، دوستى و محبت است ؛البته دوستى دو جانبه و دو سويه .

پيام آوران آسمانى مظاهر همه خوبيها و صاحبان اخلاق نيكو هستند و دوستى زنان نيز از ويژگيهاى اخلاقى آنان است (5) نشاط و بالندگى زندگى به عشق و دوستى است اين كه مرد تنها در كانون دلش دوستدار همسرش ‍ باشد ايفاى تمام وظيفه نيستت بلكه بايد اين دوستى را اظهار كند و به نمايش بگذارد

پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى فرمايد: اين گفتار مرد به همسرش (من دوستت دارم ) هيچ گاه از دل زن خارج نمى شود(6).

ارزش اين دوستى آن گاه ظاهر مى شود كه بدانيم ميان دستيابى به فضيلت ايمان و محبت به زن ، ارتباطى تنگاتنگ برقرار است (7) گويا لازمه ايمان ، اين دوستى معنوى معرفى شده است .

زن هم متقابلا بايد پاسخگوى اين محبت بى دريغ و معنوى مرد باشد و آن را در عمل نشان دهد به راستى تسليم و محبت و دوستى و تواضع زن در برابر شوهر، چنان ارزشمند و حساس است كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرموده است : اگر مى خواستم فرمان سجده (سجده انسان بر انسان ) دهم ، فرمان مى دادم كه زن براى همسرش سجده كند(8).

آيا بعد از اين محبتها و دوستيهاى دو جانبه جايى براى نفوذ ميكروب ناآرامى و اضطراب در محيط سالم زندگى باقى است ؟!

## زيبايى روح و جسم

اگر آدمى فقط همين چهره قابل حس و اندام ظاهرى بود، بسيارى از نظرها و موضعگيرى ها و انديشه ها عوض مى شود؛اما نه تنها اين ظاهر محسوس ‍ و قابل رؤ يت ، تمام حقيقت انسان ، نيست ، بلكه نما و نمونه و مرتبه اى است كه از حقيقت جاويد و ارزشمند او به نام (روح ) جسم و روح در ارتباط با يكديگر و اثر پذير از هم باشند.

اسلام در انتخاب همسر نه تنها به حس زيباخواهى بها داده است بلكه آن را جهت داده و هدايت كرده و زيبايى را در كنار امور ديگرى ، كه در ارتباط با زندگى مشترك است ، مطرح كرده است به عنوان نمونه ، رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهدر سخنى آسمانى مى فرمايد: هركس تصميم به ازدواج گرفت از موى آن زن بپرسد، همان طور كه از صورت او مى پرسد زيرا مو يكى از دو زيبايى زن است . در عين حال ، همان حضرت در گفتارى ديگر مى فرمايد: برترين زنان امت من ، زيباروترين زنانى هستند كه كمترين مهريه را دارند(9)

پيام اين كلام هدايت بخش ، آن است كه نه تنها زيبايى زن ، معيار افزايش ‍ مهريه نيست ، بلكه بر عكس ، فضيلت از ديدگاه پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهاز آن زيبا چهرگانى است كه كمترين مهريه را دارند.

پيامبر رحمت ، حضرت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآلهدر روايتى ديگر مى فرمايد: با زن زيباى نازا ازدواج نكنيد، زيرا من در روز قيامت به (فزونى ) شما امت مباهات مى كنم (10).

در اين كلام نورانى به بعد ديگرى از مسؤ وليت زن كه توليد نسل و افزون ساختن جمعيت امت اسلام و تربيت اولاد است اشاره شده است مى توان دريافت كه از ديدگاه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهازدواج به انگيزه زيبايى منهاى توليد نسل ، مورد قبول نيست .

پايان بخش ، سخن در اين قسمت ، كلام نورانى ديگرى از پيامبر نور و رحمت صلى‌الله‌عليه‌وآلهاست كه به طرز بديع و شگفتى ، زيبايى ظاهرى را كه سپر و پوششى براى زشتى باطن شده است محكوم نموده و درباره نزديك شدن به چنين زيبايى ناسالمى هشدار داده است به اين گفتار حضرت بنگريد:

اى مردم ! از سبزه هاى با طراواتى كه در محيط متعفن زباله ها و آلودگيها رشد كرده اند دورى كنيد. پرسيده شد: اى رسول خدا! مقصود شما چيست ؟ پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهپاسخ دادند: زن زيبايى كه در محيط بد و ناسالم رشد كرده است (11).

به راستى كه زيباتر از اين نمى توان خطر زن زيبايى را كه رشد و پرورش او در فضاى نامطلوب بوده است به تصوير كشيد. چهره زيباى چنين زنى اگر چه همانند سبزه زارهاى با طراوت و گلزارهاى با صفا، سراسر جاذبه و كشش ‍ است ، اما افسوس كه نزديك شدن به چنين سبزه زارى نتيجه اى جز فرو رفتن در باتلاقهاى متعفنى كه محصول خصال زشت وناپسند است به بار نمى آيد.

نفوذ آرامش در تمام زواياى زندگى و از بين رفتن تمامى زمينه هاى پيدايش ‍ و رشد اضطراب و ناآرامى ، نيازمند زيبايى جسم و روح و حاكميت خصال زيباى انسانى و اخلاقى است .

ضرورت زندگانى مشترك - نخستين خواستگارى -

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مباش بى مى و معشوق زير طاق سپهر |  | بدين ترانه ، غم از دل به در توانى كرد |

خالق مهربان هستى با حكمت و تدبير، انسان را به گونه اى آفريده كه ناگزير از زندگى اجتماعى است تنها زندگى كردن اگر ناممكن نباشد، بسيار دشوار و سخت است امام صادق - عليه‌السلام - داستان اولين آشنايى زن و مرد را چنين بازگو مى فرمايد: اولين پيامبر خدا، حضرت آدم - عليه‌السلام - پس ‍ از خلقت وقتى چشمش به حوا افتاد، با خدا چنين سخن گفت : پروردگار من ! اين مخلوق زيبا و نيكو كه همنشينى و نگاه به او مايه انس است چيست ؟

خداوند پاسخ فرمود: اين بنده من حواست . آيا دوست دارى با تو باشد، تا انيس و هم صحبت و پيرو فرمان تو باشد؟ آدم جواب داد: آرى ، و بر من است كه تا زنده ام سپاسگزار تو باشم . خداوند فرمود: او را از من خواستگارى كن كه او بنده من است و شايسته همسرى براى نيازهاى جنسى توست ...(12).

## ارزشمندى ازدواج

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ذوقى چنان ندارد بى دوست زندگانى |  | بى دوست زندگانى ذوقى چنان ندارد |

بهترين معيار و بلكه تنها وسيله سنجش ارزشمندى هر چيز در نظام هستى ، مقدار ارزشى است كه آن چيز در نزد خالق هستى دارد او كه خود آفريدگار موجودات است ، دوستى و دشمنى اش نيز معيار دوستيها و دوست داشتنى ها و دشمنيها و دست ناداشتنى هاست .

اسلام كه كاملترين و آخرين دين آسمانى است ، داراى برنامه ها و دستورهاى متنوعى است و ازدواج و تشكيل زندگانى مشترك يكى از با فضيلت ترين نهادها، و بنيادها در اين مكتب است .

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله مى فرمايد: در پيشگاه خداوند - در مكتب اسلام - دوست داشتنى تر از بنياد ازدواج و نهاد زندگانى مشترك هيچ بنياد و بنايى پايه گذارى نشده است (13).

آرى ، اين بهترين معيار ارزشمندى زندگانى مشترك است و آنان كه در مسير تحقق امور دوست داشتنى خداى بزرگ تلاش مى كنند سعادتمند و سرافرازند.

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهكه تمام زندگانى اش منطبق با وحى است و ذره اى هوس در گفتار و رفتار و كردارش نيست و در قرآن به عنوان الگوى شايسته معرفى شده است (14) ازدواج را سنت و روش خويش معرفى كرده و روى گردانى از آن را به منزله قطع ارتباط با خويش مى داند(15). آن حضرت در روايتى مى فرمايد: هر كسى دوست دارد كه پيرو سنت من باشد، ازدواج يكى از سنتهاى من است (16).

سر سپردن به دستورهاى خداوند و پيروى از سنت پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهره آوردى جز خير و نيكى ندارد. دستيابى به دين و توان پاسدارى از آن موهبتى است كه نصيب هر كس نيست ، بهره مندى از اين ارمغان معنوى از آن كسى است كه گوش به فرمان خدا و رسول او و دنباله رو پيشوايان معصوم و مطيع اوامر آنان باشد. اقدام براى ازدواج به منظور احياى سنت پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهدر كنار آثار و فوايد بى شمار دنيوى و اخروى ، ثمرات شاخص و روشنى دارد كه در فرد و جامعه متجلى مى گردد.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى فرمايد: هر كس ازدواج كند، نيمى از دين خويش را محافظت كرده است (17).

در روايت ديگرى پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى فرمايد: دو ركعت نماز از نمازگزارى كه داراى همسر است برتر است از مرد بدون همسرى كه شبهايش را با نماز و روزهايش را با روزه ، سپرى مى سازد(18).

حضرت امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: دو ركعت نماز از نمازگزار با همسر، برتر از هفتاد ركعت نماز از انسان بدون همسر است (19).

گذشته از آثار فردى ازدواج ، گاهى در افقى فراتر دستاوردى براى ازدواج متصور است كه شعاع درخشانش منحصر به محيط خانه و جامعه شخص ‍ ازدواج كننده نيست ، بلكه تمامى گستره زمين را در برمى گيرد و آثار معنوى اش به زمين ارزش مى بخشد. در اين زمينه به اين گفتار نورانى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهبنگريد: انسان با ايمان را چه چيز مانع مى شود كه همسرى برگزيند، كه خداوند فرزندى روزى اش فرمايد كه زمين را با گفتار لااله الاالله سنگين و بارور كند(20).

## ويژگيهاى بهترين زن در گفتار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله:

درباره بهترين ها بايد بهترين افراد نظر بدهند و برترين افراد آنانى هستند كه در نظرشان هوى و هوس راه ندارد و گفتارشان مطابق با حق و واقع است اينان تنها پيامبران و امامان معصوم عليهم‌السلام هستند كه معارف و حقايق را با قلب پاك خود از سرچشمه زلال وحى دريافت و با زبان مبارك خود براى خلق خدا بيان مى كنند. رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهدر ميان اين جمع بهترين ، جلودار، و سرآمد است زيرا او برترين مخلوق خداست ، و كلامش ، بعد از كلام حق ، زيباترين و دلنشين ترين گفتار است .

براى آشنايى با بهترين زنان به خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى رويم و با هم گوش جان به كلام جان بخشش مى سپاريم .

جابربن عبدالله مى گويد: با جمعى در خدمت پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهبوديم آن حضرت فرمود:

بهترين زنان شما داراى اين ويژگيهاست :

فرزند آور، بسيار مهربان ، پاكدامن ، عزيز در ميان فاميل ، متواضع و فروتن با همسر، زينت گر براى همسر، خود نگهدار در برابر نامحرم ، حرف شنوايى از شوهر، فرمانبردار از همسر، كاملا در اختيار شوهر به هنگام تنهايى با شوهر (21).

اكنون براى درك بيشتر اين كلام نورانى رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهنگاهى ديگر به اين صفات مى افكنيم و از زبان مبارك آن حضرت و خاندان پاكش به تشريح آنها مى پردازيم .

## 1 - فرزندآور

در فرهنگ روايات ، دختر تا زمانى كه در خانه پدر به سر مى برد (حسنه ) است اين امانت الهى هرگاه پا به خانه شوهر گذاشت به مقام همسرى دست مى يابد و البته پاسدارى از اين مقام شرايط خاصى دارد كه تحصيل آنها مايه كمال و فضيلت زن است . سومين دوره اى كه زن بعد از دوران دخترى و همسرى به آن منتقل مى شود، دوران پر افتخار و مسؤ وليت ساز مادرى است . مقام مادر از آن كسى است كه محيط مقدس خانه را، با به دنيا آوردن و پرورش دادن فرزندان ، كه پاره هاى تن و جان او هستند، صفا و رونق بخشد. و روشن است كه هرچه تلاش زن در اين دوره مادر بودن ، افزون باشد، پاداش اخروى او نيز بيشتر و تقربش به پروردگار افزونتر است و اين سر گفتار رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهاست كه فرزند آورى از صفات خوب زن برمى شمرد. چرا كه اين ويژگى ، زن را به مقام مادر شدن ارتقا ميدهد و تا آنجايش رهنمون مى سازد كه خود آن حضرت در گفتار ديگرى مى فرمايد:

(بهشت در زير گامهاى مادران است ) (22).

آرامش حقيقى و معنوى زندگى با وجود فرزند صالح تقويت مى گردد و هيچگاه خانه بدون فرزند - با امكان آوردن آن - روى آرامش نخواهد ديد. براى توجه به ارزشمندى زنى كه فرزند آور است به اين دو روايت بنگريد:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى فرمايد: با دوشيزه فرزند آور ازدواج كنيد، ولى با زيبا چهره نازا ازدواج نكنيد، زيرا من به شما امت روز قيامت افتخار مى كنم (23).

در روايت ديگر امام عليه‌السلام مى فرمايد: بدانيد كه زن سياه چهره ه اى كه فرزند آور باشد براى من دوست داشتنى تر است از زيباى نازا(24).

## 2 - بسيار مهربان

محبت و دوستى و مهربانى ، شاه كليد نفوذ در دلهاست . هيچ چيزى به قدر مهربانى كارآيى ندارد. درهاى بسته و چهره هاى گرفته با اين ابزار گشوده و باز مى شوند.

در فرهنگ دوستى محبت ، همه چيز با معنى و پيام دار است گاه با يك اشاره و با يك كلمه و يا جمله مى توان صحنه را عوض كرد و به آسانى ، در دل ديگران راه يافت .

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى فرمايد: بهترين زن ، آن است كه بسيار مهربان و صميمى باشد. طبيعى است كه منظور، به كار گرفتن اين سرمايه در خدمت جذب شوهر است محبت شوهر به همسر خود از طبيعى ترين انواع دوستيهاست و اگر با دوستى و مهربانى سرشار از طرف زن همراه باشد، هيچ كينه و بى مهرى اى برجا نمى ماند. ثمره اين اظهار دوستى و صميميت ، لبريز شدن كانون دل و فضاى خانه از آرامش و سكون است و در چنين دل و خانه اى اضطراب و بى قرارى راهى براى نفوذ ندارد. در روايت ديگرى ، پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهيكى از صفات بدترين زنان را كينه و حقد معرفى مى فرمايد (25). زنى كه پيوسته چشم انتظار گرفتن عيب و نقطه ضعف است ، تا به وسيله آن همسرش را سركوب و توبيخ و سرزنش كند، داراى يك صفت منفى و مخرب است و طبيعى است كه با چنين برخوردهايى جز ناآرامى و اضطراب ، بذر ديگرى در زمينه زندگانى مشترك كاشته نمى شود.

شايد يكى از عوامل شكست و افسردگى و پيرى زودرس مردان ، همين بى مهرى ها و لجاجتهاى آگاهانه و ناآگاهانه زنان در برخورد با همسرانشان باشد. از امام صادق عليه‌السلام روايت است كه مى فرمايد: از دعاهاى رسولخدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهاين بود كه مى گفت : خدايا! به تو پناه مى برم از زنى كه مرا پير كند، قبل از اينكه دوران پيرى من فرا رسد(26).

روشن است كه پناه بردن انسان به خدا در جايى است كه احساس خطر و ناامنى و گمراهى وجود دارد، شايد در وجود زنى كه براى شوهرش پيرى زودرس مى آورد ريشه هاى ناامنى ، خطر و گمراهى نفوذ كرده باشد. طبيعى است كه چنين زنى موفق به آرام سازى محيط خانه و آرامش بخشى به شوهر نخواهد بود.

## 3 - در اوج پاكدامنى

عفت حالتى است نفسانى كه بازدارنده از غلبه شهوت است (27).

عفيف انسانى است كه با تلاش پى گير، به مقامى دست يافته كه خود را در اختيار خواسته هاى نفسانى قرار نمى دهد. روح چنين شخص آن چنان در اوج است كه به آسانى از آنچه ناپسند و نامشروع است چشم مى پوشد؛اگر چه توان انجامش را دارا باشد. اين مبارزه با نفس كه جهاد اكبر است چنان فضيلتى دارد كه صاحب اين مقام در مقايسه با مجاهد در جبهه جهاد اصغر، كه مبارزه با دشمن خارجى است ، از امتياز برخوردار است به اين روايت بنگريد:

حضرت اميرالمؤ منين مى فرمايد: جهادگرى كه در راه خدا به شهادت رسيده ، پاداشش ، برتر از توانگرى نيست كه با داشتن قدتر، عفت ورزيده است دور نيست كه عفيف فرشته اى از فرشتگان باشد (28).

ارزشمندى صفت عفت - با توضيحى كه داده شد - براى يك زن روشن است . هر زنى لازم است كه اين ويژگى را در زندگى مشترك به نمايش ‍ بگذارد و از اين راه ، فكر و ذهن و دل همسرش را از هر نوع پندار و توهم وسوسه پوچ احتمالى و بى اساس پاكسازى كند و زمينه پيدايش و رشد هر نوع احساس بدبينى را از ميان ببرد. آرامش روانى از آن مردى است كه اين ويژگى و خصلت را - كه انسان را تا مرز فرشتگان اوج مى دهد - در همسر خويش بيابد.

گلخانه زندگى در فضاى سالم و نشاطآور (عفت ) شاهد شكوفايى غنچه هاى معنوى و عطرآگين اعتماد زن و مرد به يكديگر خواهد بود.

از آنجا كه گام نهادن در مسير خوبيها و معنويات ، نيازمند تعاون و همكارى است ، يادآورى اين نكته ضرورى است كه اگر مردى ، خواهان عفت همسرش مى باشد، بايد زمينه و اسباب آن را در حد توان خويش فراهم كند، در اين ميان وظيفه مرد است كه به گونه اى آراستگى ظاهر داشته باشد و خود را متلزم به رعايت زيبايى و نظافت بداند كه پيوسته براى همسرش ‍ جذاب و دلربا باشد در اين زمينه به اين روايت جالب توجه كنيد:

حسن بن جهم مى گويد: امام رضا عليه‌السلام را ديدم كه محاسن خود را خضاب (رنگ ) كرده بود.

پرسيدم : فدايت شوم ، رنگ كرده ايد؟! امام پاسخ داد: آرى ، رسيدگى به خود (تغيير شكل و هيئت دادن ) از عوامل افزايش عفت زنان است ، و يكى از علل بى عفتى زنان اين است كه همسرانشان اين امر را رها كرده اند، آنگاه امام فرمود: آيا دوست دارى همسرت را به گونه اى ببينى كه وضعيتش ‍ همانند تو باشد، در حالتى كه به سر و وضع خود نرسيده اى ؟!

او جواب داد: خير، حضرت فرمود: همسر تو هم دوست ندارد كه تو را بدان گونه ببيند(29).

## 4 - عزيز در فاميل

در مفهوم عزت يك نوع نفوذ ناپذيرى نهفته است ، زمين سختى كه چيزى در آن موثر نيست ، داراى صفت عزت است ، اين حالت ، همانند تمامى صفات خوب ديگر، اگر از منبع اصلى سرچشمه بگيرد پايدار و ماندنى است وگرنه زودگذر و از بين رفتنى خواهد بود.

در فرهنگ قرآن ، عزت حقيقى از آن خداوند و پيامبر او و مؤ منان است خداوند كانون همه خوبيهاست و همه اين خوبيها از او به پيامبرش و مؤ منان سرايت مى كند ايمان ، شرط اصلى عزت است و در سايه بندگى خداست كه سربلندى انسان تاءمين مى شود.

شايد عزيز بودن زن كه در كلام رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهاز ويژگيهاى زن خوب و شايسته معرفى شده است به اين معنى برگردد كه ايمان حقيقى يك زن از او در ميان فاميل چهره اى ساخته باشد كه مورد نظر و احترام و تكريم همه و داراى عزت و سرافرازى باشد. طبيعى است مردى كه اين موفقيت مطلوب را براى همسرش در ميان فاميل شاهد است و زنى كه از اين چنين جايگاه رفيعى برخوردار است ، هر دو در محيط مقدس خانه ، آرامش و امنيت را به وضوح احساس مى كنند.

نقطه مقابل اين زن ، زنى است كه بر اثر سوء رفتار و گفتار و عملكردهاى ناشايسته و موضعگيرى و اقدامهاى ناپسند و نابخردانه خود را در ميان فاميل و آشنايان خوار و ذليل كرده است . چنين زنى در روايت ديگرى از رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهداراى خصلتى از خصال بدترين زنان است (30).

زنى كه در ميان فاميل اعتبارى ندارد و با چشم حقارت و خوارى به او مى نگرند براى خود نيز شخصيت قابل اعتمادى را باور ندارد و هيچگاه موفق نخواهد شد كه بدون سرمايه لازم كه ، همان عزت و متانت و موقعيت خانوادگى است ، محيط خانه را محلى مناسب براى آرامش جسم و روح همسرش قرار دهد.

## 5 - فروتن با همسر

ارزش هر صفت و عمل نيكويى در اين است كه آدمى آن را از روى آزادى و اختيار انجام دهد كسى كه مجبور است خوب باشد و كار نيك انجام دهد، شايد براى ديگران مفيد باشد، اما امتيازى براى خود او محسوب نمى شود نرمخويى و تواضع و فروتنى انسان نيز وقتى پسنديده و ارزشمند است كه با انتخاب و آزادى همراه باشد.

قرآن كريم مؤ منان را از اين جهت كه در برابر يكديگر خاضع و فروتن و نرم هستند مى ستايد و روشن است كه مؤ من حقيقى با تلاش و مجاهده به اين خصلت پسنديده دست مى يابد.

نرم بودن زن در محيط زندگانى مشترك ، در برابر شوهر، اگر از روى شناخت و اختيار و عمل به وظيفه شوهردارى باشد خصلت پسنديده و كار ارزشمندى است زنى كه به آسانى در برابر خواسته هاى مشروع و معقول شوهر شكل مى پذيرد و از خود مقاومتى نشان نمى دهد صاحب فضيلت است و محيط مقدس خانه با اين روحيه تسليم و گذشت و حق پذيرى ، زمينه پرورش و رشد آرامش را بهتر فراهم مى يابد.

نقطه مقابل زنى كه در برابر همسر مطيع و منقاد است زنى است كه در برابر همسرش ، هيچ نرمش و انعطاف ندارد و پيوسته به دنبال مقاومت و پافشارى و جبهه گيرى در برابر خواسته هاى شوهر است . چنين زنى از ديدگاه رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهاز بدترين زنان است (31) زنى كه مرد هيچگاه نتواند راهى براى نفوذ در دل او بيابد، هرگز نبايد چشم اميد به زندگانى همراه با مسالمت و صفا داشته باشد.

## 6 - زينتگر براى شوهر

خودآرايى و تزيين در نهاد زن قرار گرفته است ، اما زن به عنوان جنس ‍ مخالف مرد، حتى اگر خود را نيارايد، باز هم جذاب و داراى كشش است به همين جهت در اولين مراسم خواستگارى در آفرينش - داستان خلقت آدم و حوا - ديديم كه چگونه آدم همنشينى و نگاه به حوا را مايه انس و آرامش ‍ خويش يافته بود، و آن را به خداوند اظهار داشت . اين سرمايه خداداد بايد در مسير تثبيت زندگانى مشترك به كار رود. اگر زندگى مشترك فقط سپرى نمودن چند ساعت و چند روز بود، شايد سهل انگارى و بى اعتنايى مشكل آفرين نبود؛اما زندگانى دراز مدت زن و شوهر بايد پيوسته همراه با جاذبه عشق باشد تا هيچگاه گرد و غبار بى ميلى و بى اعتنايى و دلسردى و نااميدى بر صفحه درخشان آن ننشيند.

استفاده از زينت و آرايش ، جذابيت زن را تقويت مى كند و بر همين اساس ‍ است كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهيكى از صفات زن خوب را خودآرايى براى شوهر بيان مى كند. زيرا مردى كه به همسرش عشق و مهر مى ورزد، بيگانه را به حريم دل

خود راه نمى دهد. در اين حال ، بر سراسر زندگى آن دو، ابر آرامش و اطمينان سايه مى گسترد و اينجاست كه آرام بخش بودن گل وجود زن ، مفهوم و عينيت پيدا مى كند.

اهميت آراستگى زن براى شوهر تا آنجاست كه در فرهنگ اسلام ، زن با هيچ بهانه اى نمى تواند درباره انجام اين وظيفه در قبال همسرش بى اعتنا يا بى توجه باشد. البته شرايط مختلف زندگى مقتضى گونه هاى مختلف عمل به اين وظيفه و خواهان برخورد شايسته و بايسته زن در آن شرايط مى باشد.

امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: سزاوار و شايسته نيست كه زن - درباره رسيدگى به سر و وضع خود و آراستن خويش بى عنايت باشد - و در زمينه آرايش و آراستن خود را بازنشسته كند، اگر چه به اندازه آويختن گردنبندى در گردن باشد و شايسته نيست كه زن دستش را با خضاب - رنگ با حنا - زينت نكند، اگر چه با كشيدن دست روى حنا باشد و اگر چه اين زن مسن باشد - سنى از او گذشته باشد (32).

## 7 - خود نگهدار در برابر نامحرم

بيشتر اين چنين است كه تا آدمى ، حريم خود را نشكند، ديگرى جراءت تجاوز به حريم او را نمى يابد، در مرزهاى جغرافيايى نيز عبور دشمن از آن قسمت كه تحت حفاظت و ديدبانى نيست ، آسانتر صورت مى گيرد. اگر انسانى درباره هر برخوردى هيچ گونه عكس العملى و حساسيتى نشان ندهد، ديگران براى حفظ متانت و وقار و موقعيت او كمترين اعتبارى را نخواهند پذيرفت .

زن گل است ؛ آن هم فقط براى استفاده صاحب شرعى و قانونى اش . ارزش ‍ اين گل به آن است كه اختصاصى است و تنها براى يك نفر به نام شوهر، غير از شوهر هر كه باشد، ارتباط زن با او نبايد به گونه اى باشد كه زن با شوهر دارد، رعايت اين امر مهم را پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهاز صفات خوب زن مى داند، زن بايد در برابر نامحرم ، دژ و سنگر نفوذناپذير باشد. به راستى اگر تمامى زنان با تمامى نامحرمان و بيگانگان اينگونه باشند آيا ديگر جايى براى بدگمانى و بى اعتمادى ، كه زمينه ساز ناآرامى و اضطراب است ، يافت مى شود؟!

در برابر اين زن ، زنى است كه هر نوع ارتباط صميمى و آميخته به دوستى و لذت بخشى ، را با غير همسر داشته باشد، ولى نوبت به همسر كه مى رسد جز خود نگهدارى و سنگين برخورد كردن و ميدان ندادن و بهانه ها و عذرهاى رنگارنگ آوردن ، كار و برخورد ديگرى نداشته باشد. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهاين امر را يكى از صفات بدترين زنان معرفى مى فرمايد(33).

اين حالت زن و اين طرز برخورد بايد براى غير شوهر باشد. در زمينه ياد شده ارتباط زن با غير شوهر - نامحرمان و بيگانگان - بايد همانند ارتباط يك قطب آهن ربا با قطب موافق باشد كه بطور طبيعى و خودكار، عكس العملى جز دفع و دورسازى ندارد، ولى نسبت به شوهر همانند قطبهاى مخالف آهن ربا باشد كه به طور طبيعى واكنشى جز جذب و كشش ‍ و اتصال ندارد.

## 8 - حرف شنوايى از شوهر

از صفات بسيار خوب پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهكه حتى دستاويز مخالفان و دشمنان اسلام نيز شده بود، حرف شنوايى بسيار آن حضرت بود، به نحوى كه مى گفتند پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهفقط گوش است (34).

اين خصلت بسيار پسنديده اى است كه آدمى قبل از هر نوع اظهار نظر و موضع گيرى ، گفتار ديگرى را بشنود، و نشنيده به قضاوت ننشيند. گوش ‍ براى شنيدن است و عقل براى انتخاب بهترين و پيروى از آن ، و خداوند در قرآن به بندگانى كه چنين هستند بشارت داده است (35).

زن و مرد قبل از اينكه در كانون خانه رابطه همسرى داشته باشند، دو انسان داراى ادراك و فهم ، و بايد حرف حق را از يكديگر بپذيرند، تا حق حاكم باشدت نه تمايلات و سليقه هاى شخصى ، زن خوب آن است كه حرف شوهر را مى شنود - اگر چه نوبت به او اجرا و عمل نرسد - و اين خود امتياز است . زنى كه اصلا ظرفيت و آمادگى شنيدن حرف همسر را ندارد، از اين امتياز محروم است و از ديدگاه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهيك درجه از خوبى را دارا نيست . آيا ميان مردى كه براى حرفش در خانه گوش ‍ شنوايى سراغ ندارد با مردى كه همسرش را پيوسته شنواى سخنانش ‍ مى بيند از نظر وحى تفاوت وجود ندارد؟ آيا اين شنوايى حرف همسر، تاءثيرى در آرامش لازم براى مرد و زندگى مشترك ندارد؟!

## 9- فرمانبردار از همسر

در فرهنگ قرآن كريم ، مرد نسبت به زن قوام است (36) اگر چه زندگانى زن و مرد، مشترك است ، اما قيام اين بناى مقدس و تكيه گاه اصلى از نظر تدبير و سرپرستى و اداره امور و اعمال مديريت از آن مرد است . بر اين اساس ، فرمان و امر به دست اوست . طبيعى است مردى كه فرمان به بدى و حرام و نامعقول و ناپسند مى دهد، فرمانبردارى از او در اين حوزه و قلمرو نيست و فرمانش مطاع نخواهد بود.

زنى كه در برابر فرمان شوهر؛يعنى دستورهاى مشروع و معقول او فرمانبردار است از نظر روحى آرامتر است ، تا زنى كه پيوسته مصمم است كه حرف آخر را او بزند، اگر چه ناحق باشد، و هيچ حرفى را از همسرش نپذيرد و به كار نبندد، اگر چه حق باشد.

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهاطاعت زن از فرمان همسر را نشانه خوبى زن ميداند چرا كه اين فرمانبردارى پايه هاى زندگى مشترك را كه بايد دائما بر شالوده هاى دوستى و صميمت و آرامش استوار باشد تثبيت ميكند.

آيا زنى كه در برابر خواسته شوهر با گفتن يك كلمه (چشم ) آرامش را، كه رسالت و ماءموريت اصلى اوست ، در محيط خانه به ارمغان مى آورد، لايق دريافت مدال افتخار (بهترين زن ) آن هم از زبان مبارك رسول گرامى اسلام نيست ؟

نقطه مقابل چنين زنى ، آن است كه جز لجاجت و تمرد و سرپيچى در برابر شوهر، برخورد و موضع ديگرى ندارد. اين از صفات بدترين زنان است كه رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهدر روايت ديگر بيان مى فرمايد (37).

روشن است كه لجاجت در جايى است كه مساءله حق پذيرى و حق جويى در كار نيست ، بلكه پافشارى و مقاومت بر سر موضوع و مطلبى است كه زن جز اين كه بخواهد شجاعت و به اصطلاح هنرمندى و مرد بودن خودش را نشان بدهد انگيزه ديگرى ندارد. چنين زنى بايد مطمئن باشد كه تا اين خصلت ناپسند كه از ويژگى هاى بدترين زنان است در اوست هيچگاه موفق به انجام رسالت خدايى خويش ، كه آرامش بخشى به زندگى و شوهر است ، نخواهد شد.

## 10 - پاسخگوى نيازهاى جنسى

سراسر جهان هستى ، سرشار از نعمتهاى بى شمار خداوند مهربانى است كه هر چيز را كه در جاى خودش نيكو آفريده و همه چيز را براى تكامل و رشد انسان مسخر او كرده است .

حقيقت سپاس هر نعمت ، به كار بستن آن در مسيرى است كه نعمت بخش ، خرسند است . اين چنين است كه شكر نعمت ، مايه افزونى و بركت و رشد آن و مفيد براى صاحب نعمت و ديگران خواهد بود.

خداوند حكيم ، زن را به گونه اى آفريده است كه توانايى ايجاد محيط آرام و مطمئن براى خود و مرد را در اختيار دارد، و بر اين اساس ، تنها پاسخگوى نيازهاى جنسى هر مردى را، فقط زن همان مرد، مقرر كرده است و اين نعمت و موهبتى است كه خداوند در وجود زن قرار داده است شكر اين نعمت به آن است كه در مسير رضايت خداوند متعال است به كار گرفته شود. پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهكه سخنگوى وحى است اين مسير را تبيين كرده است و مى فرمايد: از نشانه هاى بهترين زن آن است كه به هنگام تنهايى با همسرش ، كاملا در اختيار خواسته هاى او باشد (38).

يعنى خودش را پيشكش او كند و از هر گونه بخل و تنگ نظرى و سختگيرى هاى بى اساسى كه مهر و محبت و آرامش را مى ميراند، پرهيز داشته باشد، و سخاوتمندانه پاسخگوى نيازهاى جنسى همسرش ‍ باشد.

شايد حساسترين مساءله در زندگى مشترك كه مى تواند بسيارى از مشكلات را حل كند و از بروز بسيارى از مسائل پيشگيرى كند، همين مساءله باشد. پيشوايان معصوم دين ، مقدس اسلام نيز بر اين بخش تاءكيد بيشترى دارند و هر موضوعى كه بتواند براى زن انگيزه يا بهانه اى براى كوتاهى در اين رسالت باشد، از نظر منطق اسلام محكوم و ناپسند است .

به نظر ميرسد مطرح ساختن مساءله حيا و خجالت در اين زمينه يكى از قوى ترين توجيهاتى است كه زنان در اختيار دارند، و گمان مى برند تحت پوشش اسم حيا و در پناه اين توجيه در تنهايى با شوهر مى توانند رسمى تر و جدى تر برخورد كنند امام صادق عليه‌السلام در اين زمينه مى فرمايد: بهترين زن آن است كه به هنگام تنهايى و خلوت با شوهر هر گونه حيا و خجالت را از خود جدا سازد، ولى درغير اين حالت ، همراه با شوهر، خود را به زيور حيا بيارايد(39).

اهميت مساءله پاسخگويى زن به نيازهاى جنسى مرد تا بدانجاست كه در قرآن كريم ساعاتى از شبانه روز، به عنوان ، ساعات اختصاصى و خلوت كردن زن و شوهر با هم معرفى شده است و در اين ساعات ، ممنوعيت ورود به جايگاه خصوصى زن و شوهر - پدر و مادر - اعلام شده و همه ، حتى كودكان نابالغى كه قدرت تشخصى مسائل جنسى را دارند، و خدمتكاران زن و مرد در هر خانه ، بايد با اجازه وارد شوند و اين همان محل استراحت زن و شوهر، يا اتاق خواب است كه نقش تربيتى و تسكينى و آرام بخشى آن در زندگى مشترك ، بى نياز از توضيح است .

قرآن كريم مى فرمايد: اى كسانى كه ايمان آورده ايد! خدمتكاران (غلامان و كنيزان ) و كودكان نابالغ در اوقات سه گانه قبل از نماز صبح و ظهرگاهان كه لباس خود را زمين مى گذاريد و بعد از نماز عشا كه سه وقت پنهانى و اختصاصى براى شماست بايد اجازه ورود بگيرند(40).

اسلام عزيز مساءله انس زن و شوهر با يكديگر و خلوت كردن آن دو با يكديگر را آن قدر مؤ ثر و داراى نقش مى داند كه از ديدگاه عليهم‌السلام اين بخش از زندگانى مشترك از اسباب موفقيت مرد، در قسمتهاى ديگر، - عبادت و تحصيل معاش - به حساب مى آيد(41).

اسلام براى دستيابى به اين هدف ، برنامه هاى ظريف و حساس و جذابى براى زن و مرد تدارك ديده كه اگر واقعا به آنها عمل شود، و مرد از هر نظر در خانه - كه در فرهنگ قرآن محيط آرامش است (42) - از نظر روحى و جنسى اقناع شود و بدون هيچ اظطراب و دغدغه اى در جامعه حضور پيدا كند، هيچگاه مشكلى براى چنين خانه و جامعه اى از نظر مسائل خانوادگى رخ نمى دهد. در اين زمينه روايات جالبى هست كه هيچ مشاور با تجربه در امور خانواده و هيچ روانشناس و روانكار و دقيقى نمى تواند چنين دستورالعملهايى صادر كند(43).

اسلام حتى به زن اجازه نمى دهد كه به بهانه طولانى كردن نماز از پاسخگويى به خواسته - جنسى - شوهر سرباز زند(44).

و حتى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله درباره زنى كه در برابر خواسته و نياز - جنسى - شوهرش آن قدر مكث و درنگ مى كند و مرتب وعده ميدهد تا همسرش به خواب مى رود، چنين مى فرمايد: پيوسته فرشتگان او را لعنت مى كنند تا همسرش از خواب برخيزد(45).

## 11 - خوشبويى

گل هر چه زيبا باشد، هر انسان خوش سليقه و با ظرافت تا چشمش به گل زيبا مى افتد از بوى آن مى پرسد. بدون ترديد، تاءثير زيبايى گل همراه با بوى خوش آن ، در روح افزايى و نشاط آفرينى چندين برابر است .

زن در فرهنگ دينى ، گل زندگى است ، و اگر چه هميشه بايد عطر معنويات آرام بخش ، مشام جان آدمى ، باشد اما خوشبويى ظاهر وظيفه اى است كه پيروان پيامبران خدا بايد بيشتر به آن توجه كنند.

در روايتى كه امام رضا عليه‌السلام عطر - معطر كردن - را از سنتهاى پيامبران معرفى مى كند(46).

در روايت ديگر، امام صادق از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهنقل مى كند كه آن حضرت مى فرمايد: تنها بهره من از دنياى شما، زنان و بوى خوش (47) است .

وظيفه زن در اين زمينه حساستر و ظريفتر است تا آنجا كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهخوشبو بودن زن را از حقوقى شمرده كه مرد بر عهده زن دارد، به روايتى كه در اين زمينه بنگريد:

امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: زنى نزد پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآلهآمد و پرسيد: اى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهحق مرد بر زن چيست ؟

پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود: بيشتر از آن است - يعنى آنقدر زياد است كه وقت براى گفتن تمام آنها نيست - آن زن اظهار داشت : برخى از آن ها را برايم بازگو كن . پيامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهفرمود: زن بدون اجازه شوهر حق گرفتن روزه مستحبى و خارج شدن از خانه را ندارد، و بر عهده زن است كه خوشبوترين عطرها را براى شوهرش استعمال كند و زيباترين لباسهايش را بپوشد و خود را به بهترين وجه زينت كند و بيارايد و هر صبحگاه و شامگاه خويش را بر همسرش عرضه كند و حقوق مرد بر زن بيشتر از آن است كه گفتم (48).

در روايت ديگرى امام صادق عليه‌السلام خوشبويى زن را از صفات خوب زنان معرفى مى كند(49).

بوى خوش زن منحصرا بايد براى شوهرش باشد؛يعنى عطرها و خوشبو كننده هايى كه زن به عنوان آراستن و ايفاى وظيفه در برابر شوهر و براى ايجاد جذابيت و تسكين روح و روان او به كار مى برد هيچگاه - به اين منظور و با اين اهداف - نبايد براى غير شوهر به كار گرفته شود، همان گونه كه اگر زنى تنها براى شوهرش خوشبو باشد يكى از صفات بهترين زنان را داراست و مورد رحمت پروردگار قرار مى گيرد. در مقابل نيز، زنى كه اين خوشبويى را براى بيگانگان و نامحرمان به كار مى برد از رحمت پروردگار دور است . به روايتى در اين زمينه توجه كنيد:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى فرمايد: زنى كه خود را خوشبو كند و از منزل خود خارج شود، به چنين زنى لعنت مى شود - از رحمت خدا دور مى گردد - تا هر زمان كه به منزلش بازگردد (50).

اسلام عزيز براى پاك نگهداشتن جسم و جان آدمى برنامه هاى متنوعى دارد و هيچگاه به پيروانش اجازه نمى دهد كه هرگونه كه دلشان خواست در دنيا زندگى كنند. دستورهاى حساب شده و برنامه هاى دقيق اسلام آن چنان است كه حتى براى خوشبو بودن زن براى همسرش ، داراى طرح و دستورالعمل است و هر كس از به كار بستن دستور دينى سرپيچى كند بايد تنبيه شود. زشتى خوشبو كردن زن براى غير شوهر و تاءثير منفى معنوى آن در وجود زن تا آنجاست كه امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد: از چنين زنى خداوند نماز نمى پذيرد تا اينكه به خاطر اين كارش - استعمال مواد خوشبو براى غير شوهر - غسل كند، همان گونه كه به هنگام ناپاكى - جنابت - غسل مى كند(51) و بر اين اساس ، فقهاى بزرگ شيعه در رساله هاى عمليه در بيان برخى از غسلهاى مستحبى در اسلام غسل زنى را كه براى غير شوهر خود را خوشبو كرده است نيز يادآور شده اند.

شوهر به عنوان صاحب شرعى و قانونى اين گل خوشبو نبايد به همسرش ‍ چنين اجازه اى دهد، كه او خود را براى غير شوهر و خارج از محيط منزل خوشبو كند. خطرناكتر از اين مورد، جايى است كه شوهر به اين آراستن و خوشبو كردن همسرش براى غير خود راضى و خرسند باشد. چنين مردى با اين اقدام شيطانى و نابخردانه خويش ، زندگى مشترك را كه بايد به صورت اختصاصى ، بهشت تسكين و آرامش زن و شوهر باشد به جهنمى سوزان و پر از اضطراب و ويرانگر تبديل مى كند كه آتش برخاسته از آن قبل از هر كس ، دامنگير خود اوست و دود آن نيز به چشم خودش مى رود.

به روايت جالبى در اين مورد توجه كنيد:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهمى فرمايد: هر مردى كه همسرش با زينت و خودآرايى از منزلش خارج مى شود ديوث است و هر كس چنين مردى را ديوث بنامد گناه نكرده است و اگر مردى راضى باشد كه زنش با زينت و خوشبو از منزلش خارج شود با هر گامى كه آن زن برمى دارد خانه اى در آتش - جهنم - براى آن مرد ساخته مى شود(52).

در روايت ديگرى رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهدر توضيح معناى ديوث مى فرمايد: ديوث مردى است كه همسرش زناكار است و او نيز بر اين موضوع آگاه است (53) در روايت ديگر امام باقر عليه‌السلام مى فرمايد: خداوند نماز سه گروه را نمى پذيرد؛ يكى از آنها ديوث است ، و آن مردى است كه شاهد ناپاكى و آلودگى جنسى همسرش است (54).

با توجه به اين دو روايت معلوم شد كه ديوث ، مرد بى غيرتى است كه احساس مسؤ وليت دينى و اخلاقى و تربيتى در برابر همسرش ندارد. البته گاهى اين بى غيرتى در اوج است كه حتى به ناپاكى جنسى همسرش ‍ بى اعتناست و گاهى در اين مرز است كه خوشبويى و آرايش همسرش براى نامحرم و خارج از محيط خانه براى او مهم نيست ، بلكه بدان راضى و خرسند است . در هر حال نتيجه اعمال چنين مردى جز سست كردن بنياد مقدس زندگى و ناآرام ساختن فضاى آن چيزى نيست .

## 12 - دست پخت خوب

با تشكيل زندگى مشترك دوران تجرد دختر و پسر ديروز و زن و مرد امروز پايان گرفته است . دختر در خانه پدر چه مى خورده است ؟ دوست داشته يا نه ؟ و پسر در دوران تجرد در خانه پدر چه مى خورده و از دست پخت مادر راضى بوده يا خير و بيشتر در بيرون از منزل غذا مى خورد يا در منزل ؟ هرچه بوده ، گذشته و فعلا دوران جديد زندگانى است .

دختر موفق و زيرك ، آن است كه تمام خوبيها را به عنوان يادگارهاى ارزشمند، از دوران زندگى در خانه مادر فراگرفته و امروز از آن تجربيات در زندگى مشترك بهره مى برد.

آشپزى و كدبانويى از هنرهاى يك زن خوب است . و اين هنر، وقتى چشمگيرتر و مطلوبتر است كه زن در عين رعايت اعتدال و پرهيز از اسراف و تبذير، دلچسب ترين غذاها را تقديم ، همسرش كند.

همان گونه كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآلهيكى از صفات بد مرد را تنها غذا خوردن معرفى كرده است (55) امام صادق عليه‌السلام نيز دست پخت پاك و خوب داشتن را از صفات خوب زن بيان كرده است (56).

شايد هنرمندى زن در زمينه ارائه غذاهاى دوست داشتنى و مورد علاقه همسر بتواند عاملى براى پيشگيرى از بروز اين صفت بد - تنها غذا خوردن - در مرد باشد.

به طور كلى پذيرايى زن از شوهر و خدمت كردن به او در فرهنگ اسلام از چنان پاداش عظيمى برخوردار است كه اگر زنان مسلمان مى دانستند به خود اجازه نمى دادند كه مرد حتى براى يك بار، غذاى آماده از بيرون منزل تهيه كند، و حاضر مى شدند كه هميشه با بهترين غذاها و پاكيزه ترين خوراكيها، كه دست پخت خودشان و حاصل دسترنجشان است ، از همسرانشان پذيرايى كنند.

راستى اگر به فرموده حضرت اميرالمؤ منين عليه‌السلام جهاد زن ، خوب شوهردارى كردن است (57)، اين گفتار نورانى معنايى جز اين دارد كه زن در سنگر تربيت فرزند، بچه دارى ، اداره شوهر، آرامش بخش بودن براى او، خدمت در خانه به قصد عبادت و اطاعت از همسر، به خشم در نياوردن او و...، حضور فعالانه و جدى داشته باشد.

به راستى زنى كه با بهانه هاى مختلف نه هنر فرزند آورى و تربيت آن را دارد و نه هنر شوهردارى و اداره و تدبير كارهاى منزل و نه هنر آشپزى و خدمت به شوهر و نه هنر ايجاد جذابيت و دلربايى براى همسر و نه ... آيا مى تواند ادعاى جهاد و بهره مندى از پاداش مجاهدان را داشته باشد؟ در پايان اين بخش به روايت جالبى بنگريد:

امام عليه‌السلام مى فرمايد: هر زنى كه به شوهرش جرعه اى آب بنوشاند و او را سيراب كند، پاداش اين كارش از عبادت يك سال كه روزهايش را روزه بگيرد، و شبهايش را عبادت كند برتر است و در برابر هر نوبت كه به شوهرش آب مى دهد خداوند برايش شهرى در بهشت مى سازد و شصت گناه از او مى بخشد (58).